

حاصل عمر

(مجموعه آثار و مقالات تاریخی و ادبی عبدالعلی کارنگ)

تدوین به شیوه گردآوری

محمد جعفر چمنکار

(دانشیار دانشگاه ارومیه)



سرشناسه	چمنکار، محمدجعفر، ۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور	حاصل عمر: مجموعه آثار و مقالات تاریخی و ادبی عبدالعلی کارنگ / تدوین به شیوه گردآوری محمدجعفر چمنکار، ویراستار ادبی رحیم کوشش شبستری؛ ویراستار علمی مهرداد قدرت دیزجی.
مشخصات نشر	ارومیه: دانشگاه ارومیه، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	۴۴۹ ص.: جدول.
فروست	انتشارات دانشگاه ارومیه: ۳۲۸.
شابک	978-622-5791-24-4
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
یادداشت	کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	مجموعه آثار و مقالات تاریخی و ادبی عبدالعلی کارنگ.
موضوع	کارنگ، عبدالعلی، ۱۳۰۰ - ۱۳۵۸.
موضوع	کارنگ، عبدالعلی، ۱۳۰۰ - ۱۳۵۸. -- سرگذشتنامه و کتابشناسی
موضوع	کارنگ، عبدالعلی، ۱۳۰۰ - ۱۳۵۸. -- مقاله‌ها و خطابه‌ها
موضوع	مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴ Persian essays -- 20th century
موضوع	نویسندگان ایرانی -- قرن ۱۴ Authors, Iranian -- 20th century
موضوع	مشاهیر -- ایران -- قرن ۱۴ -- سرگذشتنامه Celebrities-- Iran -- 20th century -Biography
موضوع	کتابشناسان -- ایران -- سرگذشتنامه Bibliographers -- Iran -- Biography
موضوع	ایران -- تاریخ -- مقاله‌ها و خطابه‌ها Iran -- History -- Adresses, essays, lectures
	کوشش، رحیم، ۱۳۴۵ -
	قدرت دیزجی، مهرداد، ۱۳۴۳ -، ویراستار
شناسه افزوده	دانشگاه ارومیه (Urmia University)
رده‌بندی کنگره	PIR۸۱۸۱
رده‌بندی دیویی	۳۶۲/۸۴۸
شماره کتابشناسی ملی	۹۱۹۲۸۷۵

مرکز انتشارات دانشگاه ارومیه

ارومیه، کیلومتر ۱۱ جاده سرو، صندوق تلفن: ۳۱۹۴۲۲۷۴ - ۳۲۷۷۹۹۳۰ - ۰۴۴، دورنگار ۳۲۷۷۹۹۳۰

عنوان: حاصل عمر (مجموعه آثار و مقالات تاریخی و ادبی عبدالعلی کارنگ)

تدوین به شیوه گردآوری: دکتر محمدجعفر چمنکار

ناشر: انتشارات دانشگاه ارومیه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طاهانگار

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۴۰۲

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

قیمت پشت جلد: ۲۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۶۲۲-۹۷۸-۵۷۹۱-۲۴-۴

فهرست مطالب

فصل اول: زندگی و آثار ۳

زندگی‌نامه	۳
حوزه‌های مطالعاتی	۶
ویژگی و مشخصه‌های تحقیقاتی:	۸

فصل دوم: فهرست تألیفات و مقالات ۳۳

الف- کتاب‌ها: تألیف	۳۳
موضوع: تاریخ و باستان‌شناسی	۳۳
موضوع: ادبیات و کتابداری	۳۳
موضوع: اطلاعات عمومی و گردشگری	۳۴
ب- کتاب‌ها: ترجمه	۳۴
ج- مجموعه مقالات:	۳۴
۱- تاریخ و باستان‌شناسی:	۳۴
۲- ادبیات و کتابداری:	۳۶
۳- زبان‌شناسی:	۳۶
۴- نسخه‌شناسی:	۳۷
۵- بزرگداشت مشاهیر و دانشمندان:	۳۸
ز- ترجمه مقالات:	۳۹
س- مقدمه، پیشگفتار و توضیح بر آثار دیگران:	۴۰
نقد و بررسی آثار عبدالعلی کارنگ:	۴۱

فصل سوم: فهرست مطالب کتاب‌های تألیفی ۴۳

الف- حوزه تاریخ و باستان‌شناسی:	۴۳
۱- تاتی و هرزنی (دو لهجه از زبان باستان آذربایجان)، تبریز، ناشر اسمعیل واعظ پور، ۱۳۳۳.	۴۳
۲- آثار و ابنیه تاریخی تبریز، تبریز، نشر شفق تبریز، ۱۳۴۷.	۴۴
۳- ابنیه و آثار تاریخی مراغه، انتشارات اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی، ۱۳۵۰.	۴۵
۴- آثار باستانی آذربایجان، آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.	۴۶
ب- حوزه اطلاعات عمومی و گردشگری:	۵۳
۱- راهنمای شهر تبریز، تبریز، ناشر کتابفروشی حاج محمد باقر کتابچی حقیقت، ۱۳۴۲.	۵۳

ج - حوزه ادبیات و کتابداری: ۵۵

۱- دستور زبان کنونی آذربایجان، تبریز، ناشر چاپخانه محمدی علمیه تبریز، ۱۳۴۰. ۵۵

۲- راز، تهران، ناشر کتابفروشی تهران، ۱۳۴۰. ۵۸

۳- کتابداری و ادبیات کودکان، تبریز، انتشارات مرکز تربیت معلم دختران تبریز، ۱۳۴۶. ۵۸

فصل چهارم: فهرست مطالب کتاب‌های ترجمه شده ۶۱

۱- خاطراتی از شرق، دوروتی. ه. اسمیت، تبریز، ناشر کتابفروشی تهران، ۱۳۴۴. ۶۱

۲- سفرنامه کاری، جملی کاری، تبریز، ناشر اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۸. ۶۲

۳- تاریخ تبریز، پروفیسور و . مینورسکی، تبریز، انتشارات کتابفروشی تهران، ۱۳۳۷. ۶۳

فصل پنجم: متن کامل مقالات ۶۵

الف- تاریخ و باستان‌شناسی: ۶۵

آثار تاریخی ساسانیان در آذربایجان ۶۵

آثار و ابنیه تاریخی تبریز ۷۲

آثار صفویه در آذربایجان* ۹۸

بقعه شیخ شهاب الدین اهری ۱۰۲

«نمونه‌ای از بناهای عصر صفوی» ۱۰۲

مروند و آثار تاریخی آن «۱» ۱۰۷

مروند و آثار تاریخی آن «۲» ۱۱۱

سقوط گنجه ۱۱۵

کلیسای سن استپانوس ۱۲۶

تخت سلیمان ۱۳۷

ب- حوزه نسخه شناسی: ۱۴۵

کتاب دده قورقود ۱۴۵

تاریخ شاه طهماسب اول ۱۵۷

اخلاق منصوری ۱۶۳

یک مجمع الامثال خطی ۱۶۸

شیشه را در بغل سنگ، «آغا محمدخان و ملا پناه واقف» ۱۹۰

الاشباه و النظائر ۱۹۲

ریاض النشاط ۲۰۰

جهان نما و کرمان «۱» ۲۰۹

۲۱۸.....	جهان نما و کرمان «۲».....
۲۲۴.....	گلچین معجزات.....
۲۲۸.....	روضات الجنان و جنات الجنان.....
۲۳۲.....	یک نامه تاریخی.....
۲۳۶.....	یک سند تاریخی.....
۲۷۲.....	تاریخ دنبلیان.....
۲۷۶.....	سادات شندآباد.....
۲۹۲.....	ج- حوزه زبان شناسی:.....
۲۹۲.....	تاتی و کرینگان «بکسر اول و دوم».....
۲۹۵.....	خلخال یک لهجه از آذری.....
۳۰۵.....	زبان آذربایجان در سالهای پس از اسلام.....
۳۲۵.....	د- حوزه ادبیات و کتابداری:.....
۳۲۵.....	کتابخانه‌های خصوصی مهم تبریز.....
۳۳۳.....	اشارتی به تحول خط در آذربایجان.....
۳۳۸.....	کتابی که کمتر چاپ می‌شود.....
۳۴۰.....	کتاب کودک.....
۳۴۴.....	دعای ملاحمه.....
۳۴۶.....	تسبیح سفید.....
۳۴۷.....	لغت «۱».....
۳۴۸.....	لغت «۲».....
۳۴۹.....	از کجا آورده‌ای؟.....
۳۵۳.....	ر- بزرگداشت مشاهیر و دانشمندان:.....
۳۵۳.....	خاطره‌ای از استاد هشترودی*.....
۳۵۷.....	فقیه و محقق پرکار.....
۳۶۲.....	بازرگانی شیفته کتاب.....
۳۶۵.....	یادی از مرحوم دکتر شفق.....
۳۷۰.....	میرزاعلی والا.....
۳۷۹.....	حاج اسماعیل امیر خیزی.....
۳۸۱.....	آشنائی با تقی‌زاده.....

۳۸۵.....	پاک مردی بزرگ
۳۹۰.....	فقدان سه هنرمند برجسته
۳۹۴.....	آثار ثقه الاسلام شهید
۴۰۲.....	من و قصیده سرای بزرگ *
۴۱۱.....	درگذشت حاجی میرزا عبدالله مجتهدی
۴۱۳.....	وفات مولانا
۴۱۴.....	ز-ترجمه مقالات:
۴۱۴.....	من و خان‌های بزرگ
۴۱۸.....	مراغه
۴۲۳.....	آیا جهان آفریدگاری دارد؟
۴۲۷.....	داستان سیده ام حرم*
۴۳۱.....	تبریز
۴۳۵.....	منافق
۴۴۱.....	س- مقدمه بر آثار دیگر نویسندگان:
۴۴۱.....	حیدر بابایه سلام
۴۴۴.....	سفر دور دنیا
۴۴۷.....	بحثی درباره زبان آذربایجان

گرچه ما را سوخت، اما زنده باد	آتشی کان در نهاد ما فتاد
آتش پوینده در رگ های ما	زنده باد این آتش رسوای ما
شعله سوزنده را در بر گرفت	هرکه از ما مشت خاکستر گرفت
شکوه کار مرد آتش زاد نیست	سوختیم اما سر فریاد نیست

(سلیمان لایق)

هنگامی که در حدود ۲۳ سال پیش در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز به تحصیل مشغول بودم، با آثار عبدالعلی کارنگ آشنا شده و در این مدت طولانی، بخشی از علاقه‌مندی و دغدغه علمی نگارنده باقی ماند. کارنگ را می‌توان جزو واپسین مورخان و ادیبان آذربایجانی از نسل طلایی کاوشگران علوم انسانی دوره پهلوی دوم دانست. وی که زمان و محضر درس اساتید ممتازی را درک نموده بود، با تحصیل و تدریس در مجامع علمی گوناگون به پختگی و بلوغ فکری خود سرعت بخشید. کارنگ به انتشار کتب و چاپ مقالات در زمینه‌های تاریخ، جغرافیای تاریخی، زبان‌شناسی، نسخه‌شناسی، ادبیات، فولکلور، اسطوره‌شناسی و کتابداری پرداخت. با وجود این که همه این آثار از دیدگاه علمی و غنای فرهنگی در یک نمودار و اهمیت مساوی نیستند، استاد کارنگ تلاش نموده است تا اصول نظری را که پژوهشگران صادق به انجام و پیروی از آن فرا خوانده می‌شوند، رعایت نماید. عمده تمرکز وی استفاده از منابع تازه یاب و ارائه آن به اشکال جدید در فرآیند تحلیلی تاریخی و درسایه تسلط بر فن نویسندگی بوده است. در گردآوری این مجموعه سعی شده است تا براساس امانت داری از دستور خط فارسی، شیوه نگارشی و ویرایشی نویسنده پاس داشته شود و در آن تغییرات عمده‌ای صورت نپذیرد، هر چند که برخی از این اسلوب از جمله متصل کردن کلمات به یکدیگر یا سرهم‌نویسی، امروزه منسوخ شده است. در قسمت مقالات هر جا که علامت ستاره وجود دارد، توضیحات از گردآورنده می‌باشد. خانواده محترم استاد کارنگ از ابتدا از هرگونه کمکی در به سرانجام رسیدن این پژوهش دریغ ننموده و با روی باز یاور نگارنده بودند. آقای کریم صادری داماد محترم آن مرحوم، همواره با ارائه رهنمودهایی در بهتر شدن کتاب یاری رساندند. کتابخانه ملی تبریز به ویژه در بخش نشریات، کتابخانه مرکزی دانشگاه تبریز، کتابخانه دانشکده

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه، کتابخانه تربیت تبریز، کتابخانه ملی تهران، کتابخانه مجلس شورای ملی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه مؤسسه بنیاد تاریخ معاصر ایران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه و کتابخانه آستان قدس رضوی از جمله مراکزی بوده‌اند که در دستیابی به این مجموعه آثار از آنها در مقاطع مختلف استفاده شده است. مرهون همیشگی زحمات و راهنمایی‌های دکتر سیروس برادران شکوهی استاد بازنشسته گروه تاریخ دانشگاه تبریز که برای نخستین بار اینجانب را با آثار کارنگ آشنا نمود، روانشاد ایرج افشار که در مقطعی در نشر این مجموعه تشویق و راهنمایی نمودند، همسرم که وظیفه تایپ و ویرایش بخش‌هایی از کتاب را بر عهده داشت و دیگر عزیزان که به اشکال گوناگون در به فرجام رسیدن این مجموعه سهیم بودند، نیز خواهم بود.

محمد جعفر چمنکار، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ارومیه

فصل اول: زندگی و آثار

زندگی‌نامه

عبدالعلی کارنگ در زمستان سال ۱۳۰۲ هجری شمسی در دربند (کوچه) مقتدر محله دوه‌چی (شتربان) تبریز دیده به جهان گشود. پدر آن بزرگوار محمد اشکریز حسینی، از بازاریان محترم تبریز و جد او از خطاطان بزرگ دوره قاجاریه بود. عبدالعلی که تنها فرزند خانواده بود، در دوازده سالگی پدر خود را از دست داد و در دامن پرمهر مادر خویش تربیت و رشد و نمو یافت، او تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در مدارس رضوان و سعدی زادگاه خود انجام داد و سپس به دانشسرای مقدماتی پسران در رشته ریاضی راه یافت اما پس از حدود یک سال از این رشته تغییر رشته داد و دوره ادبیات فارسی و علوم تربیتی را در دانشکده ادبیات تبریز به اتمام رسانید. باوجود شوق به اتمام تحصیل و همچنین پذیرش در دوره دکتری دانشگاه تهران و دانشگاه استانبول، به علت گرفتاری‌های خانوادگی و کسالت مادر نتوانست تحصیلات عالی را تکمیل کند و بعدها نیز که امکانات برای این امر مهیا بود، علاقه‌ای به اخذ مدرک از خودش نشان نداد. وی در سال ۱۳۲۰ ش. وارد خدمت فرهنگ (آموزش و پرورش) شد و با سمت‌های آموزگاری، دبیری، مدرسی، ریاست دبیرستان و ریاست آموزش و پرورش شهرستان میانه انجام وظیفه کرد. در سال ۱۳۴۰ با موافقت وزارت فرهنگ به کنفرانس طبع و نشر کتاب در لاهور پاکستان اعزام گردید. (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، موافقت وزارت فرهنگ با اعزام عبدالعلی کارنگ به کنفرانس طبع و نشر کتاب در لاهور، شماره سند ۱۹۲۸۶/۲۹۷) در سال ۱۳۴۱ نیز از طرف وزارت فرهنگ، مأموریت مطالعه در امر کتاب و کتابداری در کشورهای انگلستان، آمریکا و فرانسه یافت. وی در ۲۲ آذرماه ۱۳۴۱ به اتفاق چند تن از مؤلفان و ناشران ایرانی، در شهر نیویورک از مؤسسه بزرگ

انتشاراتی «هنری وک» که زیر نظر هنری ز. وک اداره می‌شد و مخصوص نشر کتاب کودک بود، بازدید کرد. کارنگ با بررسی دقیق وضعیت کتابخانه‌ها و شیوه‌های کتابداری پیشرفته و چگونگی استفاده صحیح تمام اقشار جامعه از این مراکز، حاصل دستاوردهای علمی خود را پس از بازگشت به ایران در اختیار سازمانهای مرتبط با امر کتابداری گذارد. وی سال‌ها مشاور و از اعضای هیأت مدیره کتابخانه ملی تبریز و انجمن آثار ملی آذربایجان شرقی بوده است. کارنگ با امور نشر و چاپ آشنایی داشت و پایه‌گذار و مدیر شعبه مؤسسه انتشارات فرانکلین در تبریز بود و کتاب‌هایی چند به همت و هدایت او در این شهر انتشار یافت.^۱ شادروان کارنگ

^۱ - برای نمونه می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

- آفرینش جهان / ژرژ آنتونی گاموف؛ ترجمه رضا اقصی، تبریز: کتابفروشی امید با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۹، ۱۲۰ ص.
- مسافرت به ارمنستان و ایران؛ پیر آمده امیلین پروب ژوبر، محمود مصاحب، تبریز: انتشارات چهر با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۷، ۳۶۸ ص.
- اثبات وجود خدا / به‌قلم گروهی از اهل علم معاصر؛ تالیف جان کلورر مونسما؛ ترجمه، کارنگ، آرام، امین، مجتهدی، تبریز: کتابفروشی حقیقت؛ تهران با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۲، ۲۹۶ ص.
- احساس مسئولیت در اطفال / ادیت ینسر، کودکان خجول / هلن راس؛ ترجمه جمشید شباهنگ، تبریز: کتابفروشی امید با همکاری انتشارات فرانکلین، بی‌تا، ۱۰۴ ص.
- اساطیر ایرانی / البرت جوزف کارنوی؛ ترجمه احمد طباطبائی، تبریز: کتابفروشی اپیکور با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۱، ۱۳۹ ص.
- اسلام صراط مستقیم؛ کنث مورگان؛ ترجمه امین بحرالعلومی و دیگران، تبریز: کتابفروشی حقیقت با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۴، ۵۴۸ ص.
- بزرگمردان تاریخ / دونالد کل روس پیتی؛ ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تبریز: معرفت با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۰، ۲۱۰ ص.
- بشر و ابزار کار / ویلیام الوبشس برنز؛ ترجمه محمد عصار، تبریز: معرفت تبریز با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۸، ۱۵۸ ص.
- بهداشت روانی خانواده / استلاب آله بوم، دالاس پرت، جک نیهر؛ ترجمه حیدر دانش‌دوست، علی‌اکبر شعاری‌نژاد، تبریز: امید با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۳، ۱۰۸ ص.
- پنجاه داستان مشهور / جیمز بالدوین؛ ترجمه امین ورقائی، تبریز: کتابفروشی ایران با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۶، ۲۰۶ ص.
- تاریخ عرب / تالیف فیلیپ خوری حتی؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده، تبریز: کتابفروشی حقیقت با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۴.
- تربیت کودکان تیزهوش و کودن / روث کارسون، اولین هارت؛ ترجمه‌ی محمدنقی براهنی، تبریز: کتابفروشی امید با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۳، ۱۰۱ ص.
- تعلیم و تربیت جدید در مدارس روستائی / کیت ویکسون وافورد؛ ترجمه جواد عامری، تبریز: دانش‌سرای پسران تبریز با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۹، ۲۰۹ ص.
- جک لندن: ملوان بر پشت اسب / ایروینگ استون؛ ترجمه قنبرعلی حبیبیان، تبریز: کتابفروشی مهر تبریز با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۶، ۳۴۵ ص.
- حقایق درباره سرطان / دالاس جانسون؛ مقدمه و ترجمه از علی مقدم، تبریز: شمس با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۳، ۱۲۳ ص.
- خودشناسی / ویلیام کلر میننجر؛ ترجمه غلامحسین ساعدی، تبریز: معرفت تبریز با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۲، ۹۱ ص.
- دانشمندان بزرگ / فیلیپ کان؛ ترجمه مهدی امین، عباسعلی رضائی، تبریز: وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۸، ۳۷۴ ص.
- دیابت یا بیماری قند / گراف کانکلین؛ ترجمه سعید راد، تبریز: کتابفروشی ابن‌سینا با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۴، ۶۲ ص.
- دیوان عالی کشور آمریکا / جرالد وایت جانسون؛ ترجمه: احمد شریعت، تبریز، روزنامه توحید افکار با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۳، ۱۰۴ ص.
- روشهای روانشناسی / تام گلیورد اندروز؛ مترجم مسعود رضوی، ج ۱، تبریز: کتابفروشی ابن‌سینا با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵، ۲۵۰ ص.
- سلامت کودک. بهداشت عاطفی کودک / آنا و. م. ولف / دیتریچ، گرونبرگ، ولف؛ ترجمه بهروز شهبازی، محمد تاملی، تبریز: کتابفروشی امید با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۳، ۱۲۲ ص.
- سه حکیم مسلمان / نوشته حسین نصر؛ ترجمه احمد آرام، تبریز: سروش با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵، ۲۳۹ ص.
- سیگار و تندرستی / پت مک‌گرتی / علی مقدم، بانضمام سیگار یا انتحار تدریجی؛ ترجمه عبدالامیر سلیم، تبریز: کتابفروشی شمس با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۳، ۷۸ ص.

دوستدار استوار زادگاه خود بود و در نتیجه عمده مطالعات وی مرتبط با خطه آذربایجان می‌باشد و بدین لحاظ خدمات منحصر و مفیدی عرضه کرد که شایسته و برآورنده او بود. سال‌های آخر عمر را به تجسس علمی و بازبینی در ابنیه و آثار تاریخی آذربایجان گذرانید و در این زمینه کاری کرد که هیچ‌کس در آن حد توفیق نیافته بود و حاصل زحماتش کتاب گرانقدر آثار باستانی آذربایجان است که در سال ۱۳۵۱ ش، توسط انجمن آثار ملی به چاپ رسید. کارنگ حاصل زحمات فراوان خود را در تبریز و با نظارت، دقت و ممارستی کم‌نظیر چاپ می‌کرد و به ترتیب پسندیده و مطلوبی در اختیار خوانندگان قرار می‌داد. (ایرج افشار، آینده، دی و اسفند ۱۳۵۸، ش ۱۰-۱۲: ۹۴۷-۹۴۸) در سال ۱۳۵۵ با فوت مادر، کارنگ سخت دچار تألم گردید؛ «من مادری داشتم، پایه و مایه زندگیم بود، چند ماه پیش او را از دست داده ام، دیگر یارای کار ندارم ولی می‌اندیشم جز بردباری چاره‌ای نخواهم داشت.» (خاطره‌ای از استاد هشتروندی، نشریه کتابخانه ملی تبریز، ش ۱۵، آبان ۱۳۵۵: ۱۷۳) مرحوم کارنگ تا بیماری او را از پای درنیاورده بود با شوق تمام در جلسات کنگره‌های تحقیقات ایرانی شرکت می‌نمود و دست به نگارش کتب و مقالات بدیع و دست اول خود می‌زد. نگاهی گذرا به آثار ایشان مؤید

-
- شاهکارهای مهندسی/دوین برادلی؛ ترجمه محمدتقی مایلی، تبریز: کتابفروشی اپیکور با همکاری انتشارات فرانکلین، بی‌تا، ۹۵ص.
 - عصبانیهای عصر ما / کارن هورنای؛ ترجمه ابراهیم خواجه‌نوری، تبریز: کتابفروشی امید با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۷، ۳۶۲ص.
 - عصر ناپلئون/ هارولد جی کریستوفر؛ ترجمه احمد طباطبائی، تبریز: کتابفروشی چهاربا همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۷، ۱۳۵ص.
 - علم برای جوانان/ گلن اورلاندو بلو؛ ترجمه کاظم انصاری، تبریز: معرفت تبریز با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۰، ۴۸۹ص.
 - فردا چه خواهد شد / جرج سول؛ محمود فخر داعی، تبریز: بنگاه کتابفروشی سروش با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۹، ۲۰۲ص.
 - فلاسفه شیعه/ عبدالله نعمه؛ ترجمه جعفر غضبان، با مقدمه محمدجواد مغنیه تبریز: کتابفروشی ایران با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۷، ۶۴۸ص.
 - فلسفه قانونگذاری در اسلام/ صبحی رجب محمصانی؛ ترجمه اسماعیل گلستانی، تبریز: کتابفروشی امید یزدانی با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۶، ۳۸۹ص.
 - مادر و بچه/ بنجامین اسپاک؛ ترجمه اشرف پهلوی، تبریز: چاپخانه کیهان با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۴، ۳۰۸ص.
 - مذهب حلاج / روزه آرنالدز؛ ترجمه عبدالحسین میکده؛ با پیش‌گفتاری از منوچهر مرتضوی، تبریز: کتابفروشی مهر با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۷، ۲۱۹ص.
 - معالجه کودکان علیل و مصروع/ هربرت یهراس؛ ترجمه حمید سلیمی خلیق، تبریز: کتابفروشی امید با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۰۲ص، ۱۳۴۳.
 - مهاتما گاندی: تصویری از زندگانی بزرگ/ ویند سنت شیان؛ ترجمه اسدالله مشیری، تبریز: کتابفروشی مهر با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۵، ۲۸۱ص.
 - نگهداری و پرورش کودک/ گودا سپید، میسن، وودز؛ ترجمه مهدی امین، منیره امین، تبریز: کتابفروشی امید با همکاری موسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۴، ۳۴۲ص.
 - وحدت و تنوع در تمدن اسلامی/ گوستاو ای. فن گرونباوم؛ ترجمه عباس آریان‌پور؛ معرفت تبریز با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۲، ۵۸۰ص.
 - یگانه فرزند خانواده: اطفال نارسا و طرز تربیت آنها / ادا لشان، ساموئل ویشیک؛ ترجمه نصرالله دیهیمی، اسماعیل سعیدان، تبریز: کتابفروشی امید با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۴، ۱۰۰ص.
 - مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش یا دموکراسی آموزش و پرورش/ جان دیویی، ترجمه امیر حسین آریان‌پور، تبریز: دانشسرای پسران با همکاری انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۹، ۲۴۰ص.

این نکته است که او لحظه‌ای در راه کسب دانش و آموزش اندوخته‌های گرانبهای خود به دیگران آسوده ننشسته است. آثار او در مجلات ادبی و تاریخی تهران و تبریز چون نشریه کتابخانه ملی تبریز، یغما، سرو، جهان اخلاق، فرهنگ ایران زمین، راهنمای کتاب، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، معلم امروز، آموزش و پرورش، ابنیه، بررسی‌های تاریخی، روزنامه یومیه تبریز، توحید افکار و همچنین در مجموعه مقالات منتشره همایش‌های مختلف از جمله کنگره تحقیقات ایرانی با استقبال به چاپ و نشر می‌رسید. وی جزو اعضای کمیته مرکزی سومین کنگره تحقیقات ایرانی در سال ۱۳۵۱ ش. بود (سومین کنگره تحقیقات ایرانی، سی و چهار خطابه، ج ۱، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱: ۶). کارنگ در شناسایی استعدادهای نویسندگی و انتشار آثار ادیبان آذربایجان در سطح ملی نقش مهمی را داشت و با ارسال نامه‌هایی به شناخت و چاپ تراوشات قلمی آنان اقدام می‌نمود، چنانکه در سال ۱۳۳۵ به انتشار شعر مشهور استاد شهریار با نام «زکات زندگی»^۱ در مجله یغما پرداخت. (یغما، س ۹، ش ۵، ش مسلسل ۹۷، مرداد ۱۳۳۵ : ۲۰۸) کارنگ که در خانواده‌ای خطاط پرورش یافته بود، با دست چپ خط شکسته تحریری و با دست راستش، خط نسخ را بسیار زیبا می‌نگاشت. او از مؤسسان انجمن خیریه تبریز محسوب می‌گردید که در ادامه تحصیل اطفال بی‌سرپرست نقش مهمی را ایفا می‌نمود. سرانجام استاد عبدالعلی کارنگ پس از عمری تحقیق و تفحص در ۲۱ فروردین ماه سال ۱۳۵۸ در سن پنجاه و شش سالگی در منزل خویش با سکت قلبی، دارفانی را وداع گفت و در گورستان محله قوم‌تپه دفن گردید. پیکر وی بعد از ۱۹ سال و در سال ۱۳۷۷ به قطعه هنرمندان در آرامگاه وادی رحمت منتقل گشت. روحش شاد و همواره قرین رحمت باد.^۲

حوزه‌های مطالعاتی

شادروان کارنگ در طی عمر گرانبها و پرثمر خود بیش از هفتاد تراوش قلمی عمده از تألیف کتاب، ترجمه و نگارش مقالات مختلف و متنوع و دهها نوشتار کوتاه را به نگارش کشید. موضوعات تاریخی و ابنیه‌شناسی،

^۱ - شب همه بی‌تو کار من شکوه به ماه کردنست روز ستاره تا سحر تیره به آه کردنست

^۲ - این نوشتار به کمک خانواده روانشاد کارنگ تهیه شده است.

ادبی، نسخه شناسی و باز شناسی چهره مشاهیر و خدمت گزاران علم و ادب این مرز و بوم از جمله محدوده‌های فعالیت این نویسنده گرانقدر می‌باشد.

آثار کارنگ را به صورت کلی می‌توان به ترتیب زیر دسته‌بندی نمود:

۱- کتاب‌ها، تألیف:

الف- حوزه تاریخ و ابنیه شناسی:

از مهم‌ترین آثار کارنگ در این بخش میتوان به کتاب‌ها، آثار باستانی آذربایجان، آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز، آثار و ابنیه تاریخی تبریز، ابنیه و آثار تاریخی مراغه اشاره نمود.

ب- حوزه ادبی:

در این بخش میتوان به عنوان به تاتی و هرزنی دو لهجه باستان آذربایجان، کتابداری و ادبیات کودکان، دستورکونی آذربایجان و مجموعه اشعار راز اشاره نمود.

۲- کتاب‌ها، ترجمه آثار خارجی:

در این بخش نیز میتوان به آثاری چون تاریخ تبریز اثر ولادیمیر مینورسکی، خاطراتی از شرق اثر دوروتی و سفرنامه کارری اشاره کرد.

۳- مقالات:

الف- مقالات منتشر شده در مطبوعات گوناگون ایران، تألیف:

۱- تاریخی و ابنیه‌شناسی:

در این بخش میتوان از مقالات آثار تاریخی ساسانیان در آذربایجان و آثار و ابنیه تاریخی تبریز یاد نمود.

۲- ادبیات:

اشاراتی به تحول خط در آذربایجان، کتابخانه‌های خصوصی مهم تبریز، کتابخانه‌های کلاسی و برخی داستان‌های کوتاه نمونه‌هایی از این آثار می‌باشند.

۳- زبان شناسی:

در این بخش میتوان از مقالات خلخال یک لهجه آذری و ترانه‌ای چند از آذربایجان ذکر کرد.

د- نسخه شناسی:

در این حوزه میتوان به کتاب دده قورقود، تاریخ شاه طهماسب اول، اخلاق منصوری، تاریخ شاه طهماسب اول یا ذیل حبیب السیر، یک مجمع الامثال خطی، ریاض النشاط و جهان نما اشاره کرد.

ر- معرفی مشاهیر و دانشمندان:

در این بخش مقالاتی ارزشمندی چون من و قصیده سرای بزرگ، حاج اسماعیل امیر خیزی، درگذشت حاجی میرزا عبدالله مجتهدی، آشنایی با تقی زاده، یادی از مرحوم دکتر شفق، آثار ثقه الاسلام شهید، خاطراتی از استاد هشتروودی و میرزاعلی والا وجود دارد.

ب- مقالات خارجی، ترجمه:

در این بخش میتوان از ترجمه مقالاتی چون مراغه ولادیمیرمینورسکی و من و خانهای بزرگ، دروتی اسمیت نام برد.

ویژگی و مشخصه‌های تحقیقاتی:

۱- تسلط بر ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

ابزار توانمند کارنگ در روش تحقیق خود تسلط بر زبان و ادبیات پارسی، ادبیات ترکی، زبان عربی و انگلیسی بود. نگاهی بر آثار تألیفی و ترجمه او نشان دهنده این امر می‌باشد. احاطه وی بر ادبیات فارسی، دستور و قواعد و تاریخ ادبیات آن موجب گردید تا همواره قلم او به شیوایی به نگارش کتاب‌ها و مقالات گوناگون بپردازد و حتی موجب تحسین دیگران گردد. مجله یغما پس از انتشار مقاله «بقعه شیخ شهاب الدین اهری» او، می‌نویسد: «بر دانشجویان ارجمند است که این مقاله را دو سه بار بخوانند و روش نویسندگی درست و روشن و رسا و ساده را بیاموزند. جمله‌های کوتاه، ترکیب عبارت درست، مطلب واضح، جای شگفتی و تحسین است که نویسنده‌ای بحث علمی و فنی را با اصطلاحات خاص، به این تمامی و به این زیبایی و به این شیرینی بتواند نوشتن. کتابت مقاله نیز چندان خوش خط و روشن است که نه حروفچین چاپخانه را به دشواری افکند و نه مصحح را» (یغما، س ۲۷، ش ۲، اردیبهشت ماه ۱۳۵۳: ۸۱) نمونه‌هایی از نثر ساده و دلنشین کارنگ را در نوشته‌های او در داستان کوتاه تسبیح سفید (جهان اخلاق، ش ۴، فروردین ۱۳۳۵: ۳۰-۲۹) و دعای ملاحمزه،

(یغما، س ۲۷، ش ۳، پیاپی ۳۰۹، خرداد ماه ۱۳۵۳: ۱۵۵-۱۵۴) شاهد هستیم. او به علت این توانایی، در تدوین کتاب‌های درسی ادبیات مدارس مقاطع مختلف شهر تبریز دهه ۳۰ شمسی از جمله کتب تاریخ ادبیات پارسی و ادبیات پارسی برای دوره دبیرستان و دستور زبان پارسی برای مقطع دبستان، نقش مهمی را ایفا نمود. احاطه کارنگ بر قواعد زبان فارسی در سلسله نوشتار وی با تمرکز بر آموزش زبان فارسی در نشریات مختلف به خوبی مشهود است. (معلم امروز، س ۳، ش ۱، آبان ۱۳۳۶: ۴۸؛ معلم امروز، س ۳، ش ۴، دی ۱۳۳۶: ۱۲۷)

کارنگ زبان ترکی آذری را با تسلط بر قواعد و جزئیات دستوری آن، به خوبی می‌شناخت. تألیفات و ترجمه‌های او در زمینه ادبیات ترکی کلاسیک و متون مغلق و دشوار ترکی، این امر را اثبات می‌کند. ترجمه کتاب دده قورقود نمونه‌ای از این گونه متون مشکل ترکی است. (یغما، سال ۸، ش ۱۲، اسفند ماه ۱۳۳۴: ۵۴۹-۵۴) شناخت انواع لهجه‌های ترکی که در نقاط گوناگون آذربایجان رایج است، از دیگر حوزه‌های مطالعاتی وی بود که دامنه توانایی علمی او را در زمینه ادبیات ترکی گسترش می‌داد، زبان تاتی و هرزنی (تاتی و هرزنی دو لهجه از زبان باستان آذربایجان، تبریز، واعظ پور، ۱۳۳۲)، (نشریه دانشکده ادبیات تبریز، ج ۴، ش ۲ و ۱، ۱۳۳۰: ۷۲-۷۵) و لهجه خلخال (جهان اخلاق، فروردین ماه، ۱۳۳۵: ۹۳-۸۲) از جمله این گویش‌ها بوده است. کارنگ زبان ترکی استانبولی را نیز بخوبی می‌شناخت و از داده‌های آن در پژوهش‌های خود بهره می‌گرفت. (جهان نما و کرمان، یغما، س ۳۱، ش ۱، پیاپی ۳۵۵، فروردین ۱۳۵۷: ۵۷-۵۰)، (جهان نما و کرمان، یغما، س ۳۱، ش ۲، پیاپی ۳۵۶، اردیبهشت ۱۳۵۷: ۱۰۱-۹۷)

تسلط بر زبان انگلیسی دریچه‌های جدیدی از علم و معرفت را در اختیار کارنگ قرار داد و امکان مکاتبه و معاشرت با شرق‌شناسان بزرگی چون مینورسکی را به وجود آورد: «سال قبل هم که ضمن سفر آمریکا و اروپا مدتی در شهرهای لندن و اکسفورد و کمبریج بودم، سعادت زیارت و استفاده از محضر چند تن از اساتید انگلیسی از آن جمله درک فیض محضر پروفیسور مینورسکی دست داد و روزی که در منزل ایشان مهمان بودم...» (تاریخ شاه طهماسب اول، معلم امروز، س ۴، ش ۲ و ۱، مهر و آبان: ۱۲)

ترجمه سلیس و روان برخی کتاب‌ها، (تاریخ تبریز، تبریز، کتابفروشی تهران، ۱۳۳۷)، (خاطراتی از شرق، تبریز، کتابفروشی تهران، ۱۳۴۴)، (سفرنامه کارری، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸) و

مقالات این مستشرقان، در نتیجه این قابلیت حاصل گردید. (من و خانه‌های بزرگ، یغما، سال شانزدهم، ش ۴، پیاپی ۱۴۸، ۱۳۴۲: ۳۵۳-۳۵۶)، (مراغه، یغما، س ۱۸، ش ۲۰۳، خرداد ۱۳۴۴: ۱۵۳-۱۵۱)، (قدیمی‌ترین مأخذ درباره نام تبریز، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، دوره ۱۸، ش ۲، شماره پیاپی ۷۸، بهار و تابستان ۱۳۴۵: ۱۷۴-۱۷۲)

کارنگ بر علوم قرانی، زبان عربی و قواعد و علم صرف و نحو آن آشنایی کامل داشت. پاره‌ای از متون عربی در حوزه‌های اسلامی، تاریخی، ادبی و نسخ خطی مورد استفاده وی، بخشی از منابع دشوار در برگردان به فارسی محسوب می‌گردند. (الاشباه و النظائر، یغما، س ۲۹، ش ۳، خرداد ماه ۱۳۵۵: ۱۷۲-۱۶۵)، (یک سند تاریخی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۳، ش پیاپی ۱۰۰-۹۷ پاییز و زمستان ۱۳۵۰: ۳۹۱-۳۵۱) وی همچنین مجموعه نوشتارهایی را از نشریات مشهور عرب زبان از جمله المستمع العربی (داستان سیده ام حرم، یغما، شماره ۹۳، فروردین ۱۳۳۵: ۲۸-۲۵)، المعلم الجديد و قصص الجميع (یغما، س ۱۶، ش ۱۲، ش مسلسل ۱۸۸، اسفند ۱۳۴۲) ترجمه و در مطبوعات ایران منتشر نمود. نمونه‌ای از ترجمه روان عربی کارنگ، در کتاب اثبات خدا وجود دارد. (اثبات وجود خدا، بقلم چهل تن از دانشمندان بزرگ معاصر، ۱۳۴۵: ۷-۱) او با زبان فرانسه نیز آشنایی داشت، چنانکه کتاب تاریخ تبریز مینورسکی را در نهایت با تطابق ترجمه عربی آن با متن اصلی این رساله در دایره‌المعارف فرانسوی اسلام (Encyclopedia de L,IsLam) منتشر نمود: «بنده با دقت تمام ترجمه عربی خود را با متن فرانسه تطبیق دادم.» (تاریخ تبریز، ۱۳۳۷: ص ج در مقدمه)

۲- تلاش برای نوآوری علمی و عدم تکرار

کارنگ سعی نمود تا با استفاده از تسلط خود بر زمینه‌های مورد علاقه پژوهشی، به پیدایش آثار بکر در زمینه‌های تاریخی و ادبی اقدام نماید و از تکرار مکررات در جامعه علمی ایران که نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و پر نمودن بی‌حاصل و ظاهری رزومه اشخاص را در بر نداشت، اجتناب ورزد. بخش عمده‌ای از آثار وی کاملاً نوآورانه و حاصل تحقیقات مستمر وی بود. این مسئله در مجموعه نوشتارهای کارنگ در زمینه شناخت نسخ خطی، زبان‌ها محلی و آثار باستانی ناشناخته، کاملاً مشهود است: «در اواخر خرداد ماه ۱۳۵۲، بنا به ضرورتی

می‌خواستم دربارهٔ ساسانیان، مقاله‌ای به رشتهٔ تحریر درآوردم، قریب پنجاه کتاب و رساله و مقاله که هر کدام مناسبتی با تاریخ و حیات ساسانیان داشت، گرد آوردم و تصمیم گرفتم در گوشه‌ای از منزل بنشینم و با استفاده از آنها مقاله‌ای جمع‌وجور کنم، اما چون به مطالعه آغاز نمودم، تصور خود را باطل و بی‌فایده یافتم، چه، ملاحظه کردم درخصوص تمام موضوعات کلی، اعم از تاریخ، مذهب، سنن، آداب، علوم و دیگر شئون زندگی دوران ساسانی، تحقیقات ارزنده‌ای به عمل آمده و هیچ عنوانی جالب برای من باقی نمانده است، ناچار پیش خود اندیشیدم که پای از حد خود فراتر نهم و درآذربایجان - که دربارهٔ ابنیه و آثار تاریخی آن از سال‌ها پیش مشغول مطالعه و گردآوری مطلب هستم - دنبال آثار ساسانیان بگردم.» (آثار تاریخی ساسانیان در آذربایجان، فرهنگ ایران زمین، ش ۲۱، اسفند ماه ۱۳۵۴: ۸۴)

در مورد نگارش مقاله‌ای برای پاسداشت خدمات علمی حبیب یغمایی، می‌نویسد: «از چند ماه پیش می‌خواستم مقاله‌ای برای جشن نامهٔ استاد اجل جناب حبیب یغمائی تهیه کنم، طرح چند مقاله را ریختم و چند هفته‌ای روی هر یک کار کردم ولی هیچ کدام را نپسندیدم.» (سقوط گنجه، یادگارنامه حبیب یغمائی، ۱۳۵۶: ۲۸۴)

همچنین در ارتباط با تهیه نوشتاری درتجلیل از حاج میرزا طاهر خوشنویس نیز می‌گوید: «چون با دست خالی نمی‌توانستم به محضر سروران عزیز شرفیاب شوم چند روزی به مطالعه پرداختم. اهمیت خط پیدایش، تحول، مراحل مختلف و تقسیمات عدیده آن همه را به سرعت از مد نظر گذراندم. هر روز کتابی می‌خواندم آخرین روز هم چنانکه برای همه کس پیش آمده متوجه شدم که مهلت به آخر رسیده ولی من همچنان در اول کار مانده‌ام.» (اشاراتی به تحول خط درآذربایجان، یغما، س ۲۸، ش ۱۰، دی ماه ۱۳۵۴: ۶۲۵)

درتلاش برای نگارش یک مقاله درنکو داشت سیدمحمد محیط طباطبایی، می‌نویسد: «نخست اندیشیدم که آمال درمجامع فرهنگی، موضوع بحث فرهنگ در عصر معاصر است، من نیز گفتاری درخصوص فرهنگ بنویسم، اما به زودی متوجه شدم که این کار «زیره به کرمان بردن» و «پیش لوتی معلق زدن» است. باید بحثی نو و سخنی بکر و درخور مقام علمی استاد به میان آورد.» (سادات شندآباد، محیط ادب، ۱۳۵۸:

پایبندی کارنگ به ضرورت عدم تکرار و هم پوشانی در مطالعات تاریخی موجب گردید تا به پژوهش‌هایی اقدام نماید که در نتیجه فقدان سابقه و پیشینه مطالعاتی و نبود یک الگوی تحقیقاتی از پیش طرح شده، با دشواری‌های گوناگونی همراه شود. نمونه‌ایی از این نوآوری دشوار را در بررسی آثار برجای مانده از دوره صفویه در منطقه آذربایجان شاهد هستیم؛ «سعی و اقدام کافی و لازم درباره معرفی آنها به عمل نیامده و مسلماً بدون فحص و شناخت همه این یادگارها داوری درست درباره جزئیات هنر و دانش، و تمدن و طرز زندگی مردم آن زمان، دشوار بلکه محال خواهد بود. تنها، تحقیق و شناخت و معرفی خصوصیات طرح‌های مختلف به کار رفته در تزیین سکه‌ها، مهرها، حجاری‌ها، گچ بری‌ها، ظروف، اسلحه، ادوات چوبی، قطعات تذهیب، ضریح‌ها، صندوق‌ها، قالی‌ها، منابر و درها و پنجره‌های این دوران، چند سال وقت و یک کتاب سخن لازم دارد.» (اشاره‌ای به یادگارهای صفویه در تبریز، پنجمین کنگره تحقیقات ایرانی، ش ۱، ۱۳۵۴: ۱۹۳-۱۹۲)

۳- رعایت اصول اخلاقی فن نویسندگی

استاد کارنگ با روح و طینت سالم و سلیمی که در نهان داشته و آن را در اعمال ظاهری و اجتماعی خود نیز مد نظر قرار داده است، سعی نموده است به آنچه یک نویسنده از لحاظ مهارت و صداقت و راستگویی، قدرت تجزیه و تحلیل موضوع، تسلط بر روش تحقیق و امانت نیازمند است دست یابد. به گواهی ایرج افشار «مردی نجیب و تمام انسان بود» (آینده، دی و اسفند ۱۳۵۸، شماره ۱۲-۱۰، ص ۹۴۷) و به گفته اسمعیل واعظ‌پور مدیرانتشارات واعظ‌پور تبریز «قلبی پاک و صاف چون آینه داشت» (تاتی و هرزنی دو لهجه از زبان باستان آذربایجان، ۱۳۳۲: مقدمه) بر این اساس کارنگ در اشکال یک مورخ صادق و نویسنده‌ای امین به نگارش مطالب خود پرداخته است. وی با ذکر کلامی از مرحوم آیه الله مجتهدی، تصریح می‌کند که «محقق باید بی‌طرف و بی‌غرض باشد.» (پاک مردی بزرگ، نشریه کتابخانه ملی تبریز، ش ۱۵، آبان ۱۳۵۵: ۶۸)

با حفظ اعتدال منطقی و پرهیز از هرگونه تعصب ملی و مذهبی و افراط و تفریط، به ذکر رویدادها و حقایق مهم در لابه لای سطور خود اقدام نموده است. رخدادها و جریانات را همان گونه که بوده‌اند، مورد کنکاش قرار داده و با حفظ اصل راستگویی و پای‌بندی به اصول و معیارهای خاص نویسندگی، در میان حوادث از سیر اصلی رویداد خارج نگشته و حقایق را برای بهره‌برداری و حفظ منافع خود و دیگران وارونه جلوه نداده

است. آنچه را بوده، بدون تحریف ذکر می‌نماید، حتی اگر زبانی نیز از آن به اصول ملی، محلی یا شخصی وارد آید؛ چنانکه در بررسی عملکرد دولت شیعی صفویه در آذربایجان عنوان می‌کند که «با وجود معروف بودن دوران اشاعه و ترویج دیانت و صلاح و تقوی، تباهی اخلاق و ناپاکی عجیبی دامنگیر جامعه آن روزگار بوده، و وجود مراکز فساد، هستی مردم تبریز و اردبیل و مسلماً آبادی‌های دیگر آذربایجان را به نابودی تهدید می‌کرد.»

(آثار صفویه در آذربایجان، یغما، س ۲۷، ش ۲، آبان ماه ۱۳۵۳: ۴۴۶-۴۴۷)

میهن پرستی را بر مسائل کاذب قومی ارجحیت می‌دهد. (لوح سیمین، یادی از قهرمانان آزادی ایران، نشریه ش ۲۸ اداره فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۳۸: ۱۲-۱۱) در بررسی زبان آذری و ترکی که حجم عمده‌ای از مطالعات کارنگ را تشکیل می‌دهد، به صورت علمی و منطقی و بدور از تفکرات ناسیونالیستی به تحلیل فرایند این زبان در ادوار تاریخی پرداخت: «جمعی نظرشان اثبات این مطلب بوده که ترکی از قرن‌ها پیش از اسلام به این شکل و صورت در آذربایجان وجود داشته و زبان معمول و متداول در بین مردم بوده، و زبانی با ریشه آریائی در اینجا اصلاً وجود نداشته و فقط در سال‌های اخیر فارسی دری، راهی به آذربایجان یافته است. مقالات نویسندگان احساساتی پان تورکیست از این مقوله است و قابل اعتنا نیست چه آنها نویسنده بودند و احساساتی، نه محقق و پای بند منطق و مدارک تاریخی.» (بحثی درباره زبان آذربایجان، ۱۳۴۶: مقدمه)

«زبانی که همیشه عنوانی در دست بهانه‌جویان بوده و در منظوره‌های سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است. در مباحث علمی و تاریخی وارد کردن نظرات خصوصی و تعصبات شخصی بسیار نامطلوب است. کسی که می‌خواهد در این قبیل مباحث وارد شود باید خود را از این آلودگی‌ها برکنار دارد و از روی کمال بی‌طرفی حق مطلب را ادا کند. بی‌آنکه تعصبی به خرج دهد یا تألیف خود را وسیله تصفیه حسابهای شخصی قرار دهد.» (تاتی و هرزنی دو لهجه باستان آذربایجان، ۱۳۳۳: ص ج از مقدمه ناشر)؛ «هر داعیه‌ای باید متکی به مدرک و سند تاریخی باشد. برای اثبات مدعا و اظهار نظر باید به اول تاریخ برگشت، به آرامی ورق زد، با آن پیش آمد، و آنچه مستند و عاقلانه است، پذیرفت و ملاک ادعا و داوری ساخت، و احساسات وطن خواهانه شدید را نیز که به موقع و محل خود بسیار پسندیده و قابل تقدیس است، ابداً در کار تحقیق و زبان شناسی دخالت نداد.» (بحثی درباره زبان آذربایجان، ۱۳۴۶: مقدمه) و در فرجام از دیدگاه علمی تاریخی نتیجه

می‌گیرد؛ « زبان باستان آذربایجان باقیمانده و تحول یافته زبان مادی و دارای ریشه آریائی بود که مورخین و سیاحان و جغرافی‌نویسان اسلامی و عرب آنرا فارسی (ایرانی) و فهلوی و اذربی و آذری خوانده‌اند.» (تاتی و هرزنی دو لهجه باستان آذربایجان، ۱۳۳۳: ۲۵) کارنگ در نهایت عنوان می‌کند: « اما این زبان خوب است یا بد، جهنمی است یا بهشتی، مایه وفاق است یا نفاق، اینها را باید به زمان عرضه کرد. در پیش جوامع متمدنی و مردم خردمند زبان دل باید یکی باشد، اختلاف رنگ و قیافه و زبان مهم نیست، باید طرز تفکر و هدف و مرام یکی باشد. شعار صدی نود و پنج مردم ایران اعم از شمال و جنوب و شرق و غرب (اسلام و ایران) است، حتی اقلیت‌های مذهبی نیز ترقی و تعالی ایران عزیز را می‌خواهند. ما اگر بحثی از زبان می‌کنیم، باید بدانیم که زبان فارسی زبان شیرین است، زبان سعدی و حافظ است، زبان فردوسی و نظامی است. زبان مولانا جلال الدین رومی است، منبع الهام و عرفان است، وسیله به وجود آمدن گنجینه گرانبهای هنر و ادب ایران است و زبان رسمی کشور است، اما این همه محاسن و مزایا مجوز این نیست که ما زبان یا نیم زبان‌هایی را که جمعی از هم میهنان عزیز ایرانی بدانها تکلم می‌کنند، مورد تعبیر و تحقیر قرار دهیم و با رنجه ساختن خاطر عمده‌ای از ابناء وطن، خود را خوشدل سازیم، وانگهی اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند، زیبایی و شیوایی زبان فارسی، لطف معانی و مفاهیم زبان‌های دیگر را از بین نمی‌برد و ما را لازم می‌آید که در بحث از زبان آذربایجان، صرفاً توجه به ریشه‌شناسی و اشتقاق و قواعد دستوری و فنون ادبی داشته باشیم نه سر مذمت و ملامت دیگران.» (بحثی درباره زبان آذربایجان، ۱۳۴۶: مقدمه)

کارنگ در روش مطالعاتی به اصل اساسی در امر نگارش یعنی ذکر منابع و کتب مورد استفاده در امر تحقیق توجه کافی نشان داده است و برخلاف بسیاری که از پانویس‌های کتاب‌های دیگر استفاده کرده و غیر صادقانه از اصل آن کلامی را بر زبان جاری نمی‌سازند، براین مسئله تأکید نموده است؛ در کتاب آثار باستانی آذربایجان ضمن اشاره به جدیت در ذکر تمامی منابع استفاده شده، تصریح می‌کند: « در معرفی تمام آثار، از اظهار نظر ناروا و اطناب نابجا اجتناب به عمل آید و در نقل مطلب دیگران به مشخصات مأخذ، صریح و روشن اشاره شود. حتی تصاویر آثار ناشناخته نیز با قرائن و شواهدی توأم باشند که بر خاطر هیچ بیننده دقیق، شک و تردیدی درباره صحت و اصالت آنها راه نیابد. بدیهی است همه آنها سودمند و در تألیف این کتاب هم علاوه